



## تأثیر افزایش درآمدهای نفتی بر سرمایه گذاری ، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصاد ایران

ناصرحسینی مُنجزی

کارشناس ارشد گروه مطالعات اقتصادی و توسعه - معاونت برنامه ریزی استانداری اصفهان

### مقدمه :

ایران با بیش از ۷۰ میلیون نفر جمعیت و ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع وسعت در بین ۲۰ کشور بزرگ دنیا قرار داشته و توسعه اقتصادی ایران تاکنون براساس وابستگی به « منابع طبیعی » و به خصوص « نفت و گاز » و « درآمدهای حاصل از فروش آن » بوده است .

از اواسط قرن ۱۹ میلادی که اولین بررسی های علمی برای دستیابی به « نفت » آغاز شد تا به امروز که در اوایل قرن ۲۱ میلادی هستیم ، این ماده حیاتی که به حق « طلای سیاه » نام گرفته است ، سرمنشأ دگرگونی های بسیاری در زندگی بشر گردیده است .

بیش از یک قرن از تولید نخستین بشکه « نفت » در « مسجدسلیمان » می گذرد و امروز آن چند بشکه تبدیل به بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی ایران شده است .

« درآمدهای نفتی » همواره به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد دولت در اقتصاد کشور مطرح بوده است . بخش نفت در ایران به دلیل نقش دو گانه ای که در « تأمین انرژی مورد نیاز برنامه های توسعه اقتصادی کشور » از یک سو و « تأمین نیازهای ارزی این برنامه ها » از سوی دیگر به عهده دارد ، نیروی محرکه و بخش کلیدی اقتصاد ملی محسوب می شود . در عرصه بین المللی هم ، بخش نفت تا آینده دور از مهمترین عوامل تعیین کننده موقعیت بین المللی کشور خواهد بود و تأثیرگذاری آن نیز نقش القائی مؤثر در گسترش فعالیت های بخش های دیگر اقتصاد کشور خواهد داشت . بخش نفت در اقتصاد کشور در سه زمینه اصلی زیر ، نقش مهم و تعیین کننده ای داشته و سهم عمده ای از تولید و درآمد ملی را تشکیل می دهد :

- ۱- تأمین انرژی برای برای فعالیت های اقتصاد داخلی
- ۲- تدارک ارز خارجی برای رفع نیازهای بخش خصوصی و دولتی و تقویت جریان تشکیل سرمایه
- ۳- ایجاد درآمد برای بودجه عمومی دولت



در این مقاله، نگارنده بر آن است تا با توجه به اهمیت شناسایی عوامل بر رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای درحال توسعه ای همچون ایران، به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر متغیرهای اصلی در بخش های ۳ گانه اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) بپردازد.

جذایب پرداختن به چنین مطالعه ای، در این موضوع نهفته است که: درآمدهای نفتی، بخش عمده درآمدهای دولت را تشکیل داده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، متغیرهای مهم اقتصاد ملی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. نتایج این تحقیق مشخص خواهد کرد که درآمدهای نفتی که برای تحصیل آنها تلاشی نشده است، تا چه اندازه می تواند متغیرهای «سرمایه گذاری»، «اشتغال» و «ارزش افزوده» در بخش های ۳ گانه اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) را افزایش دهد و در راه رشد و توسعه کشور به کار آید.

بررسی ها و محاسبات انجام شده در این تحقیق، بیانگر این واقعیت است که درآمدهای نفتی تأثیر متفاوتی بر متغیرهای ۳ گانه در بخش های مختلف اقتصاد کشور داشته و تأثیر پذیری آنها از درآمدهای نفتی متفاوت بوده است. نتایج نشان می دهد که از میان بخش ها، درآمدهای نفتی بیشترین تأثیر را بر سرمایه گذاری و ارزش افزوده در بخش های خدمات و صنعت داشته است. سرمایه گذاری و ارزش افزوده در بخش کشاورزی نیز، کمترین تأثیر پذیری را از درآمدهای نفتی کشور از خود نشان می دهد. همچنین نتایج نشان می دهد که درآمدهای نفتی کمترین تأثیر را بر اشتغال در هر ۳ بخش اقتصاد کشور داشته است. به هر حال، نتایج حاصل شده، بیانگر آن است که درآمدهای نفتی تأثیر قابل توجهی بر سرمایه گذاری و ارزش افزوده در ۲ بخش صنعت و خدمات - که بیش از ۸۰ درصد از مجموع ارزش افزوده بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات و نزدیک به ۷۰ درصد از GDP کشور را تشکیل می دهند - داشته است.

این پدیده نشان می دهد که: اولاً، درآمدهای نفتی به عنوان اصلی ترین منابع سرمایه گذاری و یکی از ارکان توسعه اقتصادی ایران، تحت تأثیر عوامل برون زای متعددی قرار دارد که در اختیار برنامه ریزان کشور نمی باشد و ثانیاً، با توجه به اینکه درآمدهای نفتی تأثیر متفاوتی بر بخش های اقتصادی کشور دارد، تمرکز و یا ساختار متغیرها را تغییر داده و تخصیص منابع را به هم زده و منابع مالی جامعه را به سوی بخشی که بیشترین تأثیر پذیری را از درآمد نفت دارد (بخش خدمات) می کشاند و این خود سرآغاز بروز بسیاری از مشکلات در اقتصاد ملی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** درآمدهای نفتی، سرمایه گذاری، اشتغال، ارزش افزوده، کشاورزی، صنعت، خدمات، رشد و توسعه، اقتصاد ایران.

## ۱- عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی



یکی از پدیده های عجیب ادبیات رشد اقتصادی آنست که کشورهای با منابع فقیرتر، رشد بالاتری را نسبت به کشورهای با منابع غنی تجربه کرده اند. شواهد تجربی مربوط به رابطه رشد اقتصادی با شاخص های فراوانی منابع طبیعی نشان می دهد که به طور متوسط کشورهای با صادرات مبتنی بر منابع طبیعی بالا دارای رشد اقتصادی پائینی هستند. در قرن ۱۹ و ۲۰ کشورهای با منابع فقیر مانند سوئیس و ژاپن از کشورهای با منابع غنی مانند روسیه و هلند پیشی گرفتند. در ۴۰ سال گذشته بهترین دارندگان عملکرد اقتصادی، اقتصادهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی با منابع طبیعی فقیر بودند. در حالیکه تجربه بسیاری از کشورهای با منابع طبیعی غنی، مانند کشورهای نفتی، رشد اقتصادی ضعیفی را نشان می دهد.

رابطه معکوس بین فراوانی منابع طبیعی و رشد اقتصادی که در ادبیات اقتصادی «پدیده شومی منابع» نام گرفته است، یک تضاد مفهومی ایجاد می کند. زیرا منابع طبیعی، ثروت ملی کشور و قدرت خرید واردات را افزایش می دهد، بنابراین انتظار می رود که فراوانی منابع طبیعی، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را تقویت کند. بسیاری از اقتصادهای نفتی قصد داشتند با بکارگیری درآمدهای وسیع نفتی سرمایه گذاریهای متنوع را تأمین مالی کرده و توسعه صنعتی را تسریع بخشند ولی دچار «پدیده شومی منابع» و گرفتار «نفرین نفت» شدند.

رشد اقتصادی را می توان بر اساس چهار دسته عوامل به عنوان عوامل تعیین کننده اصلی توضیح داد: عامل اول که در اکثر الگوهای رشد بدان اشاره می شود، «عامل سرمایه» است. در مطالعات تجربی نیز رشد سرمایه گذاری از عوامل تعیین کننده رشد تولیدات اقتصادی و به ویژه صنعتی است و با نتایج «نظریه انباشت سرمایه» که بر نقش سرمایه گذاری های فیزیکی و انسانی در رشد اقتصادی تأکید دارد، سازگار است. باید توجه داشت که انباشت سرمایه های فیزیکی و انسانی شرط لازم رشد است ولی شرط کافی نیست.

عامل دوم متغیرهایی هستند که از طریق تأثیر «رشد بهره وری»، بازدهی سرمایه های فیزیکی و انسانی را در یک فرایند یادگیری افزایش می دهند. این متغیرها که در «نظریه جذب» مطرح هستند، نقش کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری، ابداع و یادگیری را در بکارگیری فناوری های جدید مورد توجه قرار می دهند. بر اساس نظریه جذب، رشد سریع بهره وری (متوسط تولید به ازای یک واحد نیروی کار یا سرمایه)، تنها با افزایش سرمایه فیزیکی و انسانی توضیح داده نمی شود، بلکه رشد کارآفرینی و ابداع، دارای نقش تعیین کننده ای است و یادگیری برای بکارگیری فناوری بطور کارا نیازمند توسعه مجموعه ای از مهارتها، سازماندهی جدید فعالیت های صنعتی و شناخت بازارها و صادرات است. رشد کشورهای آسیای شرقی از آن رو معجزه خوانده می شود که این کشورها توانستند به خوبی این فرآیند را به انجام رسانند. اگر چه بکارگیری فناوری های وارداتی از کشورهای پیشرفته، با در نظر گرفتن سایر موارد، نیازمند نرخ بالای سرمایه گذاریهای فیزیکی و انسانی است و این کشورهای پیشرفته، با در نظر گرفتن سایر موارد، نیازمند نرخ بالای سرمایه گذاری های فیزیکی و انسانی است و این کشورها به نرخ های بالا در این زمینه دسترسی پیدا کردند، لیکن تبیین رشد آنها تنها با عامل انباشت سرمایه، تحلیل ناقصی است و نمی توان انتظار داشت که کشورهای دیگر با همان حجم مشابه از سرمایه گذاری، موفقیت این کشورها را بدست آورند. در این راستا، در مراحل توسعه یافتگی اقتصادهای صنعتی و به ویژه کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی، تجارت خارجی با تأکید بر توسعه صادرات صنعتی، توسعه آموزش و تحقیق و بکارگیری سرمایه گذاری



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

مستقیم خارجی در فرآیند یادگیری نقش داشته اند. باید توجه داشت که توسعه صادرات در فضای آینده تجارت جهانی متکی بر فناوری مطلوب خواهد بود. بطوریکه ساختارهای صادراتی متکی بر محصولاتی بر پایه فناوری، به مراتب نتایج بهتری در رشد اقتصادی خواهند داشت.

عامل سوّم از الزامات مهمّ رشد اقتصادی و صنعتی، « محیط اقتصاد کلان با ثبات » است، به طوریکه اثر سیاست های اقتصاد کلان را نباید در حاشیه قرار داد. زیرا سیاست های مذکور در رشد بلندمدت مؤثر هستند. باید توجه داشت که هدف اصلی سیاست های اقتصاد کلان، ایجاد ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی، مانند سطح تولید، اشتغال و سطح عمومی قیمت ها، برای دستیابی به وضعیت اشتغال کامل از طریق کاهش انحراف متغیرها از مقادیر تعادلی است. بنابراین اگر یک استراتژی رشد در عمل منجر به عدم تعادل های اقتصاد کلان شود، شرایط جدید منجر به شکست استراتژی مورد نظر خواهد شد. این نکته به خوبی، اهمیّت سازگاری استراتژی رشد را با ماهیّت و هدف های بلندمدت سیاست های اقتصاد کلان نشان می دهد.

عامل چهارم در موانع رشد اقتصاد ایران، « چارچوب نهادی رشد و توسعه اقتصادی » است. چارچوب نهادی که امکان تجهیز و انباشت منابع و همچنین ارتقای بهره وری آن را فراهم می سازد و بسیار با اهمیت است. تدوین، اجرا و نظارت مستمر بر این چارچوب نهادی با توجه به شرایط محیطی اقتصاد بین الملل از یکسو و مرحله توسعه یافتگی و چالش های ساختاری اقتصاد کشور از سوی دیگر، از جمله مهمترین وظایف دولت و حاکمیت است که نه تنها الزامات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می سازد، بلکه در اثربخشی سیاست ها نیز تعیین کننده است.

نهادها در این بحث مجموعه ای از قواعد رفتاری رسمی و غیررسمی است که بعنوان محدودیت در تعامل بین افراد و گروههای جامعه عمل می کند. تحقیقات اقتصادی و اقتصاد سیاسی نشان می دهد که تفاوت در نهادها چون ترتیبات و تنظیمات دولتی و حاکمیتی و همچنین سازمانهای رسمی و غیررسمی جامعه مدنی، در نتایج سیاست ها نقش مهمی ایفا می کند. چارچوب نهادی در این مطالعات به شرح نهادهای قانونگذاری، نهادهای اداری و اجرائی، نهادهای قضائی، نهادهای غیررسمی و ساختار و ویژگی گروه های ذینفع طبقه بندی شده است.

یادآوری این نکته ضروری است که علت آنکه چرا چهار عامل تعیین کننده فوق در فرآیند رشد اقتصاد ایران، به خوبی ایفای نقش نمی کنند را باید در « ماهیّت منابع » از یکسو و « سیاست های باز توزیع منابع » از سوی دیگر، جستجو کرد.

### ۱- مکانیسم های رشد مبتنی بر منابع طبیعی

برخی از فرضیّات مربوط به « پدیده شومی منابع » بر اساس ادبیات توسعه دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ و به ویژه بر اساس مدل های « بیماری هلندی » (Dutch Disease) کاملاً اقتصادی هستند. یکی از مباحث اولیه در ادبیات توسعه در رابطه با غیرمؤثر بودن رشد بر پایه منابع طبیعی این است که قیمت های جهانی مواد اولیه صادراتی نسبت به کالاهای صنعتی ساخته شده (Manufacturing) به شدت تمایل به کاهش دارد و تقاضا برای کالاهای صنعتی ساخته شده،



تندرست از تقاضا برای مواد اولیه رشد می کند. همچنین کشورهای غنی اقتصادهای خود را در مقابل ورود مواد اولیه، در مقایسه با واردات کالاهای صنعتی، بیشتر حمایت می کنند. با توجه به فرضیه فوق برخی از کشورهای در حال توسعه در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به منظور اجتناب از وابستگی به صادرات منابع طبیعی از طریق صنعتی شدن با هدایت دولت و با جهت گیری جایگزینی واردات از طریق اعمال موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، به جای جهت گیری توسعه صادرات، دچار اشتباه بزرگ تاریخی شدند (درگاهی ۱۳۸۴).

دسته دوم از مباحث اقتصادی بر علیه رشد مبتنی بر منابع طبیعی، بر ویژگی های اقتصاد داخلی به رغم اقتصاد بین الملل تأکید دارند. مطالعات هیرشمن (۱۹۸۵)، سیرز (۱۹۶۴) و بالدوین (۱۹۶۶) این ایده را بیان می کند که منافع حاصل از پیوندهای پیشین و پسین صادرات مواد اولیه برای سایر بخش های اقتصادی ناچیز است، در حالیکه تولیدات صنعتی، بر خلاف تولیدات منابع طبیعی، با ایجاد این پیوندها می تواند منجر به بخش وسیعی از فعالیت ها در سایر بخش ها شده و سطح استاندارد زندگی را افزایش دهد (درگاهی ۱۳۸۴).

مکانیسم دیگر اقتصادی که منجر به پدیده شومی منابع می گردد، در چارچوب «مدل بیماری هلندی» مطرح می شود. بنابر مطالعات کوردن (۱۹۸۴) فراوانی منابع طبیعی با تقویت ارزش پولی داخلی همراه است، به طوریکه رونق صادرات منابع طبیعی باعث تقویت نرخ ارز حقیقی (نسبت قیمت های خارجی به داخلی) و در نتیجه کاهش سایر صادرات می شود. از طرف دیگر، گیلفاسون و هربرتسون (۱۹۹۹) معتقدند که نوسانات حاصله در صادرات منابع طبیعی، نوسانات نرخ ارز را افزایش داده و از این طریق نیز صادرات کاهش می یابد (درگاهی ۱۳۸۴). این امر باعث عدم توسعه صادرات با فناوری بالا و سایر صادرات کالاها و خدمات صنعتی در ترکیب صادرات همراه بوده که در نتیجه با بازنبودن سیاست های تجاری، اقتصاد را دچار رشد پائین می کند.

در مدل «بیماری هلندی» اقتصاد دارای ۳ بخش است: «بخش قابل تجارت منابع طبیعی»، «بخش قابل تجارت صنعت» و «بخش غیرقابل تجارت». فراوانی منابع طبیعی با افزایش تقاضا برای کالاهای غیرقابل تجارت و تقویت نرخ ارز همراه بوده و در نتیجه سهم کمتری از منابع کار و سرمایه به بخش صنعت تخصیص می یابد. بنابراین تولید قابل رقابت به جای بخش صنعت، در بخش منابع طبیعی متمرکز می شود و نیروی کار و سرمایه که در بخش صنعت باید بکارگرفته شود، به بخش تولید کالاهای غیرقابل رقابت انتقال می یابد. در این حالت، وقتی اقتصاد یک رونق را در صادرات منابع طبیعی خود تجربه کند (به علت بهبود رابطه مبادله تجاری و یا کشف منابع جدید) بخش قابل تجارت صنعت به علت تقویت نرخ ارز حقیقی، تضعیف می شود و بخش کالاهای غیرقابل تجارت داخلی توسعه می یابد. تضعیف بخش قابل تجارت صنعت در این مدل «مرض یا بیماری» نامیده می شود و اگر منبع رشد صنعت عامل خاصی مانند پیوندهای پیشین (Forward Linkages) و پسین (Backward linkages) و یا فرآیند یادگیری باشد، در این صورت بیماری هلندی می تواند یک مرض واقعی با اثرات گسترده باشد. به عبارت دیگر، با فرض آنکه توسعه تولیدات صنعتی دارای اثرات خارجی است، تضعیف صنعت توسط فراوانی منابع طبیعی منجر به ناکارآمدی و کاهش بیشتر رشد اقتصادی خواهد گردید.



ساجز و وارنر (۲۰۰۱) در مطالعه خود در مورد اثرات منفی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی، نتیجه می گیرند که در اقتصادهای با منابع طبیعی، تمایل به افزایش قیمت های داخلی (در نتیجه تقویت نرخ ارز حقیقی) وجود دارد که در نتیجه، این امر منجر به عدم رشد مبتنی بر صادرات می شود.

اسپاتافورا و وارنر (۱۹۹۹) اثرات بلندمدت کلان و بخشی شوک های رابطه مبادله تجاری در کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) را بررسی کرده اند. نتایج این مطالعه که برای ۱۸ کشور در حال توسعه صادرکننده نفت انجام گرفته، نشان می دهد که شوک های مثبت رابطه مبادله تجاری، باعث افزایش سرمایه گذاری (به ویژه سرمایه گذاری دولتی)، مصرف و بدتر شدن تراز پرداخت ها شده است. از طرف دیگر، تولید بخش غیرقابل تجارت به علت تقویت نرخ ارز حقیقی افزایش یافته است. اقتصاددانان در تشریح «پدیده شومی منابع طبیعی» این مشکل را «نفرین نفت» می نامند. (درگاهی ۱۳۸۴).

گیلفاسون (۲۰۰۱) با نشان دادن این که رشد اقتصادی کشورها با سهم سرمایه طبیعی در ثروت ملی آنها رابطه معکوس دارد، چهار مکانیسم انتقال را از فراوانی منابع طبیعی به رشد اقتصادی بیان می کند:

الف - مَرَضِ هلندی      ب - رانت جوئی      ج - اطمینان بیش از حد      د - عدم توسعه آموزش

این مطالعه به آموزش بهتر و بیشتر به عنوان پیش شرط توسعه اقتصادی تأکید دارد. آموزش از چندین کانال چون افزایش کارائی نیروی کار، توسعه دموکراسی و تأمین شرایط بهتر برای حاکمیت بخش عمومی (بارو ۱۹۹۵)، ارتقای سلامتی جامعه و توسعه برابری (آگیوان ۱۹۹۹) منجر به رشد اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی می شود.

گیلفاسون در مطالعه خود با بررسی نسبت هزینه های آموزشی دولت به درآمد ملی و همچنین تعداد خالص ثبت نام شدگان دوره متوسطه در میان کشورها نشان می دهد که این متغیرها با سهم سرمایه طبیعی در ثروت ملی رابطه معکوس دارد و نتیجه می گیرد که سرمایه طبیعی دارای اثر جانشینی جبری بر سرمایه انسانی بوده است (درگاهی ۱۳۸۴).

برای مثال: در کشورهای OPEC تنها ۵۷ درصد واجدین شرایط به دوره متوسطه راه می یابند (در مقایسه با ۶۴ درصد در کل کشورهای جهان) و کمتر از ۴ درصد GNP صرف هزینه های آموزشی می شود (در مقایسه با حداقل ۵ درصد در سطح جهان).

براساس نتایج گیلفاسون یکی از ریسک های همراه منابع طبیعی، باقی ماندن نیروی کار در سطح مهارت پائین به ویژه در صنایع متکی بر منابع طبیعی است. از طرف دیگر، مقامات کشورهای متکی بر منابع طبیعی دارای اطمینان بیش از حد بوده و به سیاست های اقتصادی مناسب و سیاست های مرتبط با توسعه آموزش اهمیت کمتری می دهند. بعبارت دیگر، جوامعی که معتقدند «سرمایه طبیعی» مهمترین دارائی آنهاست در مورد انباشت «سرمایه ی انسانی» بی توجهی می کنند، زیرا بر اساس رونق منابع طبیعی، حتی با سیاست های اقتصادی ضعیف و عدم توجه به توسعه آموزش، زندگی خوبی را تجربه می کنند. جوامع فاقد منابع طبیعی در این مورد زمینه کمتری برای اشتباه دارند.





## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

باید توجه داشت که صنایع متکی بر منابع طبیعی، در مقایسه با سایر صنایع کمتر بر نیروی کار با مهارت بالا و سرمایه با کیفیت بالا تمرکز دارند (درگاهی ۱۳۸۴).

به علاوه، نیروی کار رها شده از صنایع تولیدات کالاهای اولیه (چون کشاورزی و معدن) به علت آموزش پائین با محدودیت جذب در سایر صنایع مواجه می شوند (اگرچه در مورد صنایع کشاورزی مَدِرِن و عملیات پیشرفته استخراج نفت استثنا وجود دارد). این واقعیت در تبیین این پدیده که چرا فراوانی منابع طبیعی و رشد متکی به صادرات کالاهای اولیه منجر به ایجاد مانع در یادگیری حین عمل، پیشرفت فناوری و در نتیجه رشد اقتصادی می شود، کمک می نماید و سرمایه گذاری در آموزش را به عنوان موتور رشد مورد تأکید قرار می دهد. آموزش بیشتر و بهتر باعث انتقال مزیت نسبی از تولید کالاهای اولیه به سمت کالاها و خدمات صنعتی شده و موجب یادگیری فزاینده و رشد می شود.

پروفسور جوزف استیگلیتز، برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد (۲۰۰۱)، معاون اسبق بانک جهانی (۲۰۰۰ - ۱۹۹۷)، رئیس انجمن تفکر جهانی و استاد برجستهٔ دانشگاههای کلمبیا و آکسفورد معتقد است که:

«رشد اقتصادی ایران طی چند سال اخیر بسیار سریع بوده و ایران از نیروی کار جوان و ذخیرهٔ ارزی خوبی برخوردار است که با توجه به افزایش قیمت نفت رشد بهتری نیز خواهد شد.»

وی دربارهٔ ارزیابی موفقیت اقتصادی کشورها معتقد است: تولید ناخالص داخلی (GDP) شاخص مناسبی برای ارزیابی موفقیت به حساب نمی آید، زیرا رشد مستمر را نشان نمی دهد. به طور مثال، ضریب استهلاک در GDP لحاظ نشده است، بنابراین نمی تواند نشان دهندهٔ عملکرد مناسب باشد. از این رو باید "GDP سبز" را در نظر گرفت. به این معنا که "استهلاک منابع طبیعی" را نیز به حساب آوریم و ایران به دلیل استفادهٔ زیاد از "منابع طبیعی نظیر نفت" باید به این شاخص توجه کند.

استیگلیتز با اشاره به این نکته که ایران نیاز به سرمایه گذاری مجدد دارد، می گوید:

«ایران سرمایه های خود را مصرف می کند. به طور مثال نفت را استخراج و مصرف می کند، اما بر روی منافع که بهره برداری زیادی دارند، سرمایه گذاری نمی کند!».

وی می افزاید: از میان کشورهایی که دارای منابع نفت و گاز هستند، کشورهای اندکی به اصل سرمایه گذاری در سایر زمینه ها توجه می کنند.

او از نفت به عنوان «نفرین سیاه» یاد کرده و می گوید: کشورهایی که اقتصاد آنها متکی به نفت است به بهره برداری از سایر منابع توجه زیادی نمی کنند و سوء مدیریت در این عرصه وجود دارد. به اعتقاد ایشان، قیمت منابع طبیعی فوق العاده بی ثبات است. بهای نفت هر روز افزایش پیدا می کند و کشورهای دارای ذخائر نفتی هر روز آن را استخراج کرده و می فروشند. اما اگر ذخائر خود را نگه می داشتند، اکنون با افزایش قیمت آن نسبت به گذشته سود هنگفتی می بردند. بنابراین باید نسبت به مدیریت منابع خود جدی تر باشند.

این برندهٔ نوبل اقتصاد معتقد است: امروزه امور مالی بین المللی در بسیاری از کشورهای دنیا بدتر شده است و آنها باید برای جبران این بی ثباتی از صندوق هایی که می توانند ثبات را به آنها برگردانند، کمک بگیرند.



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

وی با تأکید بر این که کشورهایی که دچار بیماری هلندی اقتصاد هستند، دارای ضعف در مدیریت منابع طبیعی و نیروی کار خود هستند، می افزاید: بسیاری از کشورهایی که منابع خوبی دارند، می توانند مردم فقیر خود را ثروتمند کنند، اما در عمل ثروتمندهای آنها ثروتمندتر می شوند.

این نوبلیست جهان آندیش معتقد است: برای جبران این نقص باید به عدالت اجتماعی توجه کرد. اگر دولت ها مشکلات را درک کنند و در رأس کارهای خود برای آن برنامه ریزی و سیاست متناسب اتخاذ کنند، می توانند فاصله بین فقر و غنی را کاهش دهند. «

باید این نکته مورد تأکید قرار گیرد که وجود ثروت ملی ( فراوانی منابع طبیعی ) خود پدیده شومی نیست، بلکه سیاست های بخش عمومی (دولت) در رابطه با عدم بروز آثار منفی وجود منابع طبیعی سرشار، بسیار مهم است. در این رابطه نروژ ( دومین صادرکننده بزرگ نفت بعد از عربستان سعودی )، مثال خوبی است. دولت نروژ به جهت تقسیم منافع حاصله از منابع طبیعی بین نسل های فعلی و آتی و همچنین به جهت جلوگیری از تزیق یک باره درآمد نفتی به اقتصاد داخلی، درآمد حاصله از نفت را در خارج سرمایه گذاری می کند. در تجربه نروژ، برخلاف کشورهای نفتی OPEC، به هیچ وجه عدم توجه به آموزش و توسعه سرمایه انسانی مشاهده نمی شود.

باتوجه به نکات فوق « مکانیسم های اقتصادی ایجاد پدیده شومی منابع » را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- کاهش در رابطه مبادله کالاهای اولیه به نفع تولیدات صنعتی
- پیوستگی ضعیف بخش منابع طبیعی با سایر بخش های اقتصادی
- ناپایداری بازار بین المللی منابع طبیعی و انتقال آن به اقتصادهای صادرکننده این منابع و در نتیجه بی ثباتی فضای اقتصاد کلان
- بیماری هلندی: ارزش گذاری بیش از حد نرخ ارز و توسعه بخش غیرقابل تجارت و تضعیف بخش قابل تجارت





## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

### ۲- تجزیه و تحلیل داده ها و برآورد مدل :

#### الف) تجزیه و تحلیل داده ها

در این بخش سعی می شود تا ابتدا روند رشد درآمدهای نفتی به عنوان اصلی ترین متغیر اثرگذار (مُتغیرمُستقل) و سپس روند تغییرات متغیرهای ۳ گانه سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) به عنوان متغیرهای تأثیرپذیر (مُتغیرهای وابسته) در طی چهار دهه گذشته، بررسی و تجزیه و تحلیل گردد.

#### ۱- الف) روند رشد درآمدهای نفتی

بررسی روند افزایش درآمدهای نفتی کشور نشان می دهد که درآمدهای نفتی از ۱۵۵۸/۶۰۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۱۰۹۳۹/۷۶ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۷ برابر) در سال ۱۳۵۵ رسید. با وقوع انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی همه جانبه از سوی غرب، این رقم به ۱۷۰۳/۸۵۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ کاهش یافته و مجدداً به رقم ۷۰۳۷/۷۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته که این سیر صعودی با اُفت و خیزهای محسوسی که عمدتاً ناشی از حوادث و مسائل بین المللی (به ویژه منطقه استراتژیک خاورمیانه) بوده است، کماکان ادامه یافته و به ۶۲۲۰/۷۵۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به ۲۲۵۰۰ در سال ۱۳۸۵ بالغ گردید. به عبارت دیگر، بررسی آمار و ارقام نفتی ضمن انعکاس میزان دلارهای نفتی سرازیر شده به اقتصاد ایران در چهاردهه اخیر، بیانگر آن است که سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای کشور از ۶۹/۵ درصد در سال ۱۳۴۰ تا آنجا بالا می رود که به ۹۷/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده و این سیر صعودی همچنان تداوم یافته تا اینکه این سهم به بیش از ۹۸/۶ درصد در سال ۱۳۶۱ می رسد. پس از آن این سهم با یک روند نزولی غیرمحسوس به تدریج کاهش یافته تا اینکه به رقم ۷۵/۱ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده و مجدداً با اُفت و خیزهایی که عمدتاً متأثر از مسائل بین المللی بوده است، سیر صعودی گذشته را در پیش گرفت. چنانکه در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ به بیش از ۸۵ درصد و ۸۷/۶ درصد بالغ گردید. نکته حائز اهمیت آن که بررسی آمار و ارقام مربوط به درآمدهای صادراتی کشور نشان می دهد که طی چهاردهه گذشته، سهم درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز هیچگاه کمتر از ۸۰ درصد نبوده است، یعنی همواره سهم درآمدهای صادراتی کشور بین ۸۰ درصد تا ۹۸ درصد در نوسان بوده به طوری که این نوسانات که در برخی مقاطع به صورت «شوک های نفتی» ظاهر شده اند، عامل اصلی تأثیرگذاری و منشأ تحولات بعدی در سایر بخش های اقتصادی کشور بوده است.

جدول شماره ۱ بیانگر آنست که درآمدهای نفتی کشور در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۰ بیش از ۷ برابر یعنی بالغ بر ۶۰۰ درصد رشد داشته است. همچنین میزان رشد درآمدهای نفتی کشور در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۰ بیش از ۱۳ برابر و یا بالغ بر ۱۱۲۰ درصد بوده است که مقایسه این ارقام خود بیانگر «حاکمیت گسترده نفت بر سیطره اقتصاد ایران» می باشد. (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ گویای این واقعیت ها می باشد).



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

جدول شماره ۱: روند رشد درآمدهای نفتی کشور ( ۸۵ - ۱۳۴۰ )

متغیر سال	X	XO	سهم XO ( درصد )
۱۳۴۰	۲۲۴۲/۶	۱۵۵۸/۶۰۷	۶۹/۵
۱۳۴۵	۴۱۱۴/۷	۳۲۶۷/۰۷۲	۷۹/۵
۱۳۵۰	۸۵۳۶/۶	۷۲۶۴/۶۴۷	۸۵/۱
۱۳۵۵	۱۱۲۲۵/۵	۱۰۹۳۹/۷۶	۹۷/۴
۱۳۶۰	۱۷۵۰/۳	۱۷۰۳/۸۵۷	۹۷/۳
۱۳۶۵	۲۵۳۵/۸	۲۱۹۹/۲۴۰	۸۶/۷
۱۳۷۰	۶۴۲۸/۲	۵۵۱۵/۷۸۱	۸۵/۸
۱۳۷۵	۶۵۶۵/۱	۵۶۵۰/۳۰۸	۸۶
۱۳۸۰	۷۲۹۶/۶۴۲	۶۲۲۰/۷۵۲	۸۵
۱۳۸۵	۲۵۶۸۶/۵۸	۲۲۵۰۰/۶۹	۸۷/۶

\* منبع : [www.Iran-Economy.com](http://www.Iran-Economy.com)

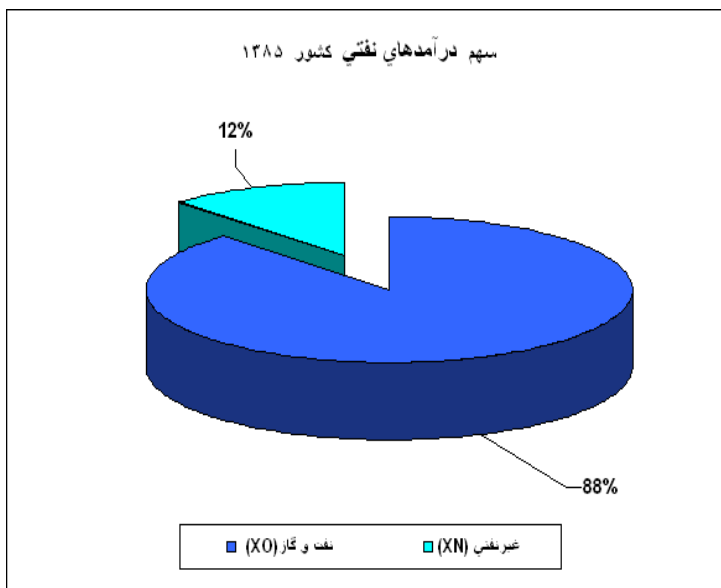
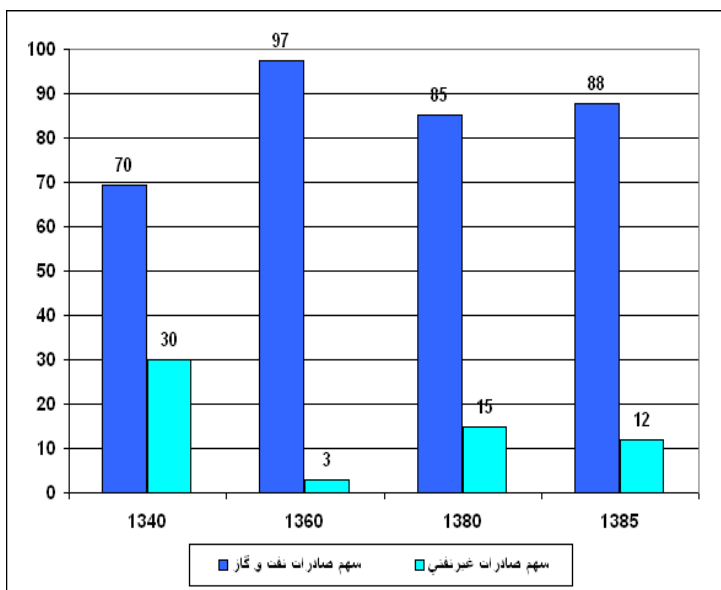
X = کل درآمدهای صادراتی کشور ( میلیارد ریال ، ثابت ۱۳۶۹ )  
XO = درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز ( میلیارد ریال ، ثابت ۱۳۶۹ )



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

نمودار شماره ( ۱ ) : سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی کشور ۸۵ - ۱۳۴۰





## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

### ۲- الف) روند تغییرات متغیرهای ۳ گانه در بخش های ۳ گانه اقتصادی

در این قسمت به بررسی روند تغییرات متغیرهای سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصاد ایران در طی چهار دهه گذشته و تجزیه و تحلیل آنها می پردازیم:

#### ۱-۲- الف) سرمایه گذاری در بخش های ۳ گانه

بررسی روند میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی (IA) نشان می دهد که میزان سرمایه گذاری بخش کشاورزی از ۱۵۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۱۱۴۵/۵ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۷/۵ برابر) در سال ۱۳۵۵ رسید ولی پس از آن با یک روند نزولی به ۵۰۴/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۴۸۳/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۵۹۱/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به رقم ۱۳۸۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ رسید.

در همین زمان سرمایه گذاری بخش صنعت (II) از ۳۷۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۵۴۱۸/۱ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۱۴/۳ برابر) در سال ۱۳۵۵ بالغ گردید و مجدداً به ۱۶۱۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ و ۴۱۳۸/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۲۴۶۱/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۳۶۷۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به رقم ۱۴۹۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ رسید.

بررسی روند سرمایه گذاری بخش خدمات (IS) نیز حاکی از آن است که میزان سرمایه گذاری بخش خدمات از ۱۰۵۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۱۱۲۹۴/۴ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۱۰/۷ برابر) در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته و مجدداً با نوساناتی به ۸۲۸۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۷۱۱۲/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۱۰۰۵۸/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به رقم ۲۶۵۹۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ بالغ گردید.

نکته شایان توجه اینکه در سال ۱۳۴۰ سهم سرمایه گذاری بخش کشاورزی، صنعت و خدمات از سرمایه گذاری کل به ترتیب معادل ۹/۶ درصد، ۲۳/۸ درصد و ۶۶/۶ درصد بوده که این سهم در سال ۱۳۵۵ به ترتیب به ۶/۴ درصد، ۳۰/۳ درصد و ۶۳/۳ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۴/۸ درصد، ۲۴/۴ درصد و ۷۰/۸ درصد و نهایتاً در سال ۱۳۸۰ به ۴/۱ درصد، ۲۵/۶ درصد و ۷۰/۳ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۴/۲ درصد و ۲۵/۶ درصد و ۷۰/۲ درصد تغییر می یابد که با اندکی دقت ملاحظه می گردد که در طی این دوره همواره این ترکیب به زیان بخش کشاورزی و تا حدی صنعت و در عوض به نفع بخش خدمات در حال تغییر و تحول بوده است.

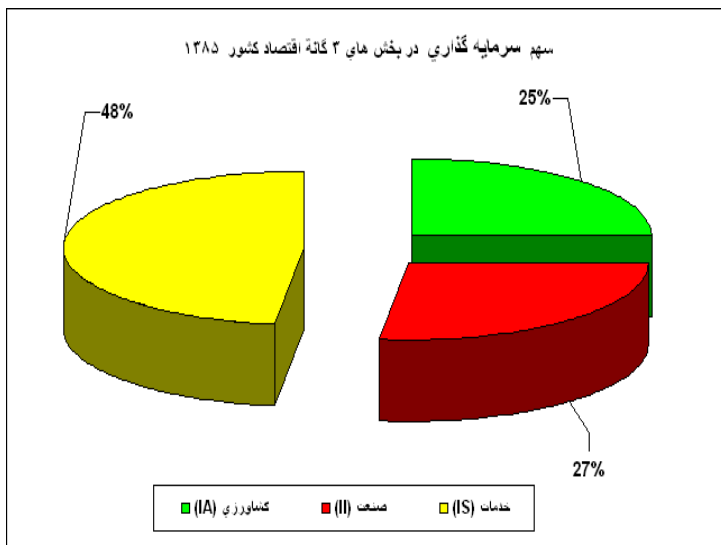
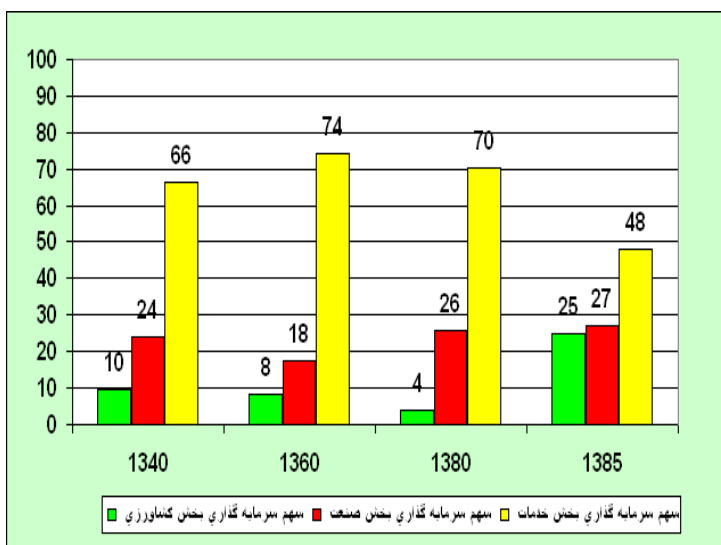


## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

که این نکته بیانگر بی توجهی به بخش کشاورزی و سودآوری بالای بخش خدمات و فعالیت های کاذب و غیرمؤد خدماتی می باشد ( جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ گویای این واقعیت می باشد ).

نمودار شماره ( ۲ ) : سهم سرمایه گذاری در بخش های ۳ گانه اقتصاد کشور ۸۵ - ۱۳۴۰





### ۲-۲- الف) اشتغال در بخش های ۳ گانه

بررسی روند اشتغال در بخش کشاورزی (LA) بیانگر آن است که میزان اشتغال بخش کشاورزی از ۳۴۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۰ به ۳۲۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ و ۳۳۵۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ و ۳۴۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به حدود ۳۶۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسید.

میزان اشتغال بخش صنعت (LI) نیز از ۲۸۰۱ هزار نفر در سال ۱۳۶۰ به ۳۶۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ و ۴۴۷۳ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ و ۴۷۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به حدود ۵۱۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ رسید.

میزان اشتغال بخش خدمات (LS) از ۳۷۲۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۰ به ۶۲۴۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ و ۶۷۴۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ و ۷۹۸۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به حدود ۹۵۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ گردید.

مسأله شایان توجه این است که گرچه در طی این دوره رشد اشتغال کل مثبت بوده و میزان اشتغال کل (E) از ۹۹۹۳ هزار نفر در سال ۱۳۶۰ به ۱۴۵۷۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ و ۱۵۹۷۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ و ۱۸۳۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ گردیده ولی اولاً: این رشد بسیار کند و آرام بوده و ثانیاً: ترکیب اشتغال در بخش های سه گانه کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب معادل ۳۴/۷ درصد، ۲۸ درصد و ۳۷/۳ درصد در سال ۱۳۶۰ بوده که این ترکیب به ۲۸/۸ درصد، ۲۵/۶ درصد و ۴۵/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۲۱/۳ درصد، ۲۹/۲ درصد و ۴۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به ۲۰ درصد، ۲۸ درصد و ۵۲ درصد در سال ۱۳۸۵ تغییر می کند. همانگونه که ملاحظه می گردد، تغییرات این ترکیب همواره به زیان بخش کشاورزی و تا حدی صنعت و در عوض به نفع بخش خدمات بوده است.

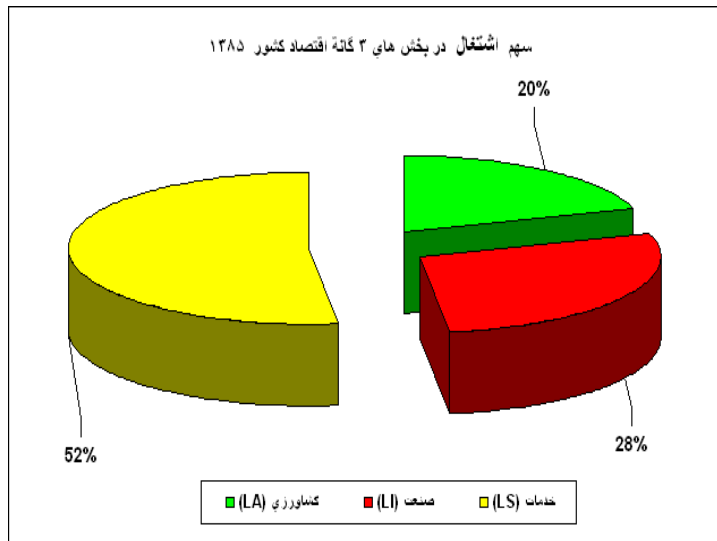
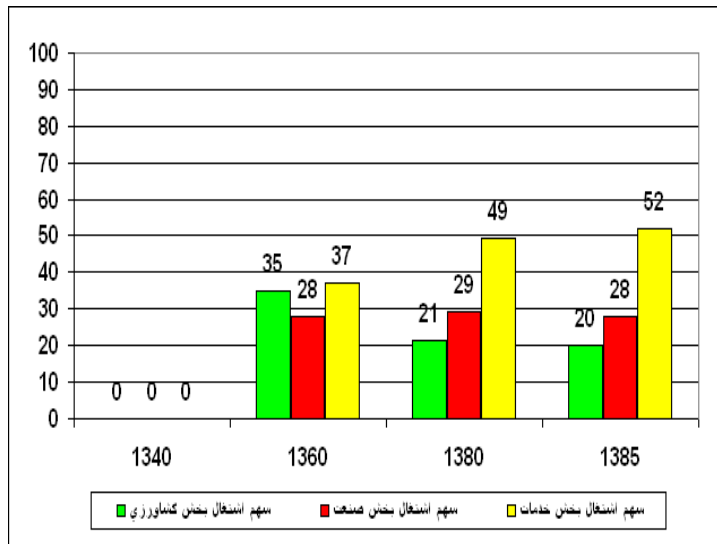


## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

که این نکته گویای بی توجهی به بخش کشاورزی و سودآوری و انگیزه های کاذب بخش غیر مؤلّد خدمات می باشد ( جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۳ گویای این واقعیت می باشد ) .

نمودار شماره ( ۳ ) : سهم اشتغال در بخش های ۳ گانه اقتصاد کشور ۸۵ - ۱۳۴۰







## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

### ۳-۲- الف ( ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه

بررسی روند تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی (VA) نشان می دهد که میزان افزوده بخش کشاورزی از ۸۲۹۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۱۸۰۵۳ میلیارد ریال ( یعنی بیش از ۲ برابر ) در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته و همچنان با یک روند رو به رشد به ۳۵۰۹۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۴۲۷۴۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۴۴۷۳۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به ۶۱۳۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ رسیده است .

میزان ارزش افزوده بخش صنعت (VI) نیز از ۴۱۷۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۳۴۴۸۵ میلیارد ریال ( یعنی بیش از ۸ برابر ) در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته و سپس به دلیل وقوع حوادثی نظیر انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی که منجر به ورشکستگی و تعطیلی بسیاری از صنایع داخلی وابسته گردید ، این رقم با یک سیر نزولی به ۲۷۸۹۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ کاهش یافته و مجدداً با روند افزایشی به ۴۶۵۸۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۵۴۸۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۷۴۰۷۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به رقم ۱۱۳۴۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت .

در همین مدت میزان ارزش افزوده بخش خدمات (VS) از ۲۰۶۰۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۱۱۸۰۶۷ میلیارد ریال ( یعنی بیش از ۵/۷ برابر ) در سال ۱۳۵۵ بالغ گردید که یا یک اُفت غیرمحسوس به ۱۱۲۴۷۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ کاهش یافته و مجدداً با در پیش گرفتن روند افزایشی به ۱۲۲۹۰۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۱۴۵۸۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ و ۱۷۷۲۶۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰ و نهایتاً به رقم ۲۲۷۰۶۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ بالغ گردید .

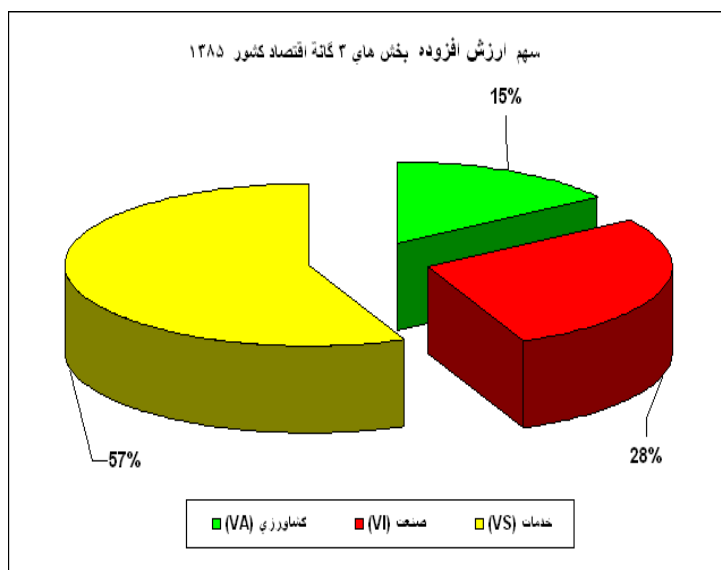
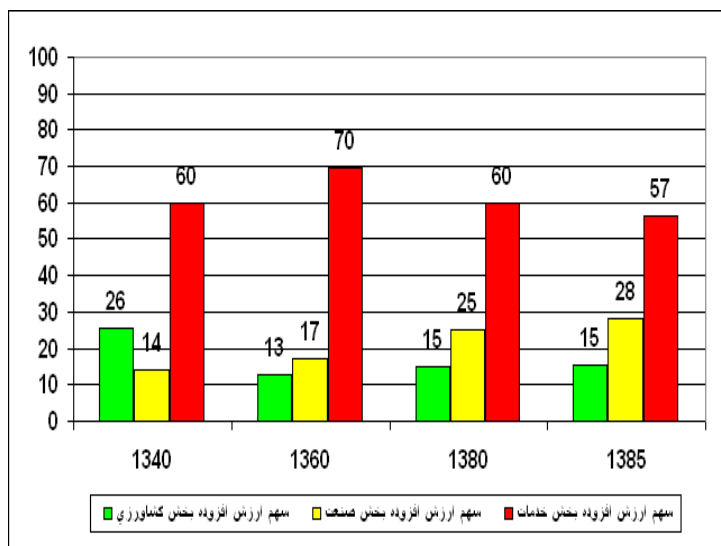
آنچه حائز اهمیت و شایان توجه می باشد این است که همانگونه که در تحلیل های مربوط به سرمایه گذاری و اشتغال در بخش های ۳ گانه اقتصادی ملاحظه گردید ، روند تغییرات ارزش افزوده بخش های ۳ گانه اقتصادی دقیقاً از روند تغییرات میزان سرمایه گذاری و اشتغال در آن بخش ها پیروی می کند . یعنی همانگونه که روند تغییرات سرمایه گذاری و اشتغال همواره به زیان بخش کشاورزی و تا حدی صنعت و به سود بخش خدمات بوده است ، روند تغییرات ارزش افزوده نیز در طول دوره مورد بررسی دقیقاً به زیان بخش کشاورزی و عمدتاً به سود بخش خدمات بوده است . یعنی جهت جریان « تخصیص منابع سرمایه گذاری و امکانات کشور » از بخش کشاورزی و صنعت ( فعالیت های اشتغال زا و مولد با ارزش افزوده بالا ) به سمت بخش خدمات ( فعالیت های غیر اشتغال زا و غیرمولد با ارزش افزوده پایین ) بوده که خود حکایت از « تخصیص غیر بهینه منابع و امکانات کشور » دارد ( جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۴ گویای این واقعیت می باشد ) .



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

نمودار شماره (۴) : سهم ارزش افزوده بخش های ۳ گانه اقتصاد کشور ۸۵ - ۱۳۴۰





جدول شماره ۲ بیانگر آنست که :

نرخ رشد سرمایه گذاری در بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال ۱۳۴۰ به ترتیب برابر با ۴۳۸ ، ۳۷۲ و ۶۲۰ درصد و در سال ۱۳۸۰ نسبت به ۱۳۶۰ به ترتیب برابر با ۲۸- ، ۱۰۶ و ۳۳/۲ درصد و در سال ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۸۰ به ترتیب برابر با ۲۲۴۳ ، ۳۷۲ و ۱۶۴ درصد بوده است .

نرخ رشد اشتغال نیز در بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۶۰ به ترتیب برابر با ۰/۶- ، ۶۵ و ۱۱۵ درصد و در سال ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۸۰ به ترتیب برابر با ۶/۵ ، ۱۲ و ۲۰ درصد بوده است .

همچنین نرخ رشد ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه فوق در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال ۱۳۴۰ به ترتیب برابر با ۱۴۲ ، ۵۶۸ و ۴۴۶ درصد و در سال ۱۳۸۰ نسبت به ۱۳۶۰ به ترتیب برابر با ۱۱۶ ، ۱۶۶ و ۵۸ درصد و در سال ۱۳۸۵ نسبت به ۱۳۸۰ به ترتیب برابر با ۳۷ ، ۵۳ و ۲۸ درصد بوده است .



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

### جدول شماره ۲: روند متغیرهای سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصادی کشور

متغیر سال	IA	II	IS	LA	LI	LS	VA	VI	VS
۱۳۴۰	۱۵۲/۵	۳۷۶/۷	۱۰۵۰/۳	-	-	-	۱۶۶۱	۷۰۸/۲	۳۲۰۳/۹
۱۳۴۵	۱۴۸/۶	۵۱۹/۶	۲۰۰۳/۸	-	-	-	۱۸۶۳	۱۱۲۵/۸	۴۶۱۳/۷
۱۳۵۰	۴۱۹/۴	۱۳۴۳/۳	۳۵۶۹/۲	-	-	-	۲۲۹۱/۲	۲۱۱۴/۹	۷۲۸۲/۸
۱۳۵۵	۱۱۴۵/۵	۵۴۱۸/۱	۱۱۲۹۴/۴	-	-	-	۳۴۸۶	۶۱۷۱/۶	۱۷۵۳۷/۲
۱۳۶۰	۸۳۴/۲	۱۷۸۳	۷۵۵۲/۴	۳۴۷۰	۲۸۰۱	۳۷۲۲	۳۹۸۹/۷	۴۶۰۱/۷	۱۶۲۴۹/۴
۱۳۶۵	۶۳۰/۱	۱۶۱۳	۷۲۴۳/۹	۳۱۹۱	۲۸۳۶	۵۰۳۰	۵۴۱۵/۴	۴۸۴۵/۸	۱۶۹۴۵/۵
۱۳۷۰	۵۰۴/۵	۴۱۳۸/۸	۸۲۸۲/۵	۳۲۲۰	۳۶۳۰	۶۲۴۶	۶۵۷۳/۲	۷۳۳۴/۷	۱۹۶۴۴/۳
۱۳۷۵	۴۸۳/۸	۲۴۶۱/۶	۷۱۱۳	۳۳۵۷	۴۴۷۳	۶۷۴۱	۷۷۸۳/۶	۸۶۳۵/۶	۲۴۵۳۵/۷
۱۳۸۰	۵۹۱/۳	۳۶۷۲/۴	۱۰۰۵۸/۹	۳۴۴۸	۴۷۳۰	۷۹۸۸	۸۲۳۳/۹	۱۰۹۲۲/۶	۳۰۳۳۶/۲
۱۳۸۵	۱۳۸۵۰	۱۴۹۵۰	۲۶۵۹۰	۳۶۷۰	۵۱۶۰	۹۵۳۰	۶۱۳۰۰	۱۱۳۴۰۰	۲۲۷۰۶۸

(۸۵ - ۱۳۴۰)

\* منبع: [www . Iran – Economy . com](http://www.Iran-Economy.com)

<p>LS = اشتغال خدمات (هزار نفر)</p> <p>VA = ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p> <p>VI = ارزش افزوده بخش صنعت (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p> <p>VS = ارزش افزوده بخش خدمات (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p>	<p>IA = سرمایه گذاری بخش کشاورزی (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p> <p>II = سرمایه گذاری بخش صنعت (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p> <p>IS = سرمایه گذاری بخش خدمات (میلیارد ریال، ثابت ۱۳۶۹)</p> <p>LA = اشتغال بخش کشاورزی (هزار نفر)</p> <p>LI = اشتغال بخش صنعت (هزار نفر)</p>
--	--

#### ب) برآورد مدل و تحلیل ضرائب

در بخش قبل به تجزیه و تحلیل درآمدهای نفتی به عنوان متغیر اثرگذار (متغیر مستقل) و متغیرهای سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصاد کشور، به عنوان متغیرهای اثرپذیر (متغیرهای وابسته) پرداختیم. در این بخش، سعی بر آن است که در قالب یک مدل اقتصاد سنجی، درجه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را برآورد و اندازه گیری نمائیم.



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

جدول شماره ۳: برآورد روابط و اندازه گیری ضرائب در بخش های ۳ گانه اقتصادی کشور (۱۳۸۵ - ۱۳۳۸)

شماره مدل	متغیر وابسته	عرض از مبدأ	Xo	Xo(-1)	D1	D2	D3	T	R <sup>2</sup>	D.w	F
۱	IA	۸۴۵/۶ (۱/۲)	-	۰/۲۳ (۶/۶)	-	-۷۰/۵ (-۷)	-۸۱۰ (-۲/۴)	-	۰/۹۷	۲/۵	۲۴۲
۲	II	-۱۸۴۸/۵ (-۳)	۰/۴۶ (۱۰/۵)	-	-	-	-۹۸۰ (-۳/۵)	۹۸ (۴/۴)	۰/۹۶	۲	۲۰۰
۳	IS	-۲۸۱۲ (-۱/۳)	-	۰/۷۷ (۵)	-	-	-	۲۵۰ (۳)	۰/۹۵	۲	۲۲۵
۴	I	-۱۱۸۶۶ (-۱/۳)	۱/۶ (۹)	-	-	-	-۳۶۳۲ (-۴)	۶۰۲ (۲/۲)	۰/۹۷	۱/۹	۲۲۱
۵	LA	۳۳۷۲/۸ (۸۲)	-	۰/۰۰۷ (۲/۵)	-	-	-	-	۰/۹۹	۱/۸	۳۶۷
۶	LI	۷۸۸ (۳/۵)	-	۰/۰۲۵ (۳)	-	-	۱۳۶ (۲/۷)	۸۰ (۱۱/۸)	۰/۹۸	۱/۸	۴۵۱
۷	LS	-۵۳۸/۸ (-۱/۴)	۰/۰۳۴ (۴/۸)	-	-	-	-	۱۹۲ (۱۸/۵)	۰/۹۹	۲/۲	۵۹۱۲
۸	E	۲۲۱۱ (۱)	۰/۰۵ (۴/۸)	-	-	-	-	۳۱۳ (۳۹/۴)	۰/۹۹	۲	۶۴۴۵
۹	VA	-۱۶۲۲۷/۵ (-۲/۸)	-	۰/۴۷ (۳/۸)	-۲۱۶۳/۸ (-۲/۵)	-	-	۱۴۴۰ (۱۲/۶)	۰/۹۹	۱/۶	۱۶۰۰
۱۰	VI	-۳۲۶۰۰ (-۲/۵)	۱/۶ (۶/۵)	-	-	۷۰۵/۸ (۴/۵)	-	۲۱۴۳ (۷/۸)	۰/۹۹	۱/۵	۱۱۷۸
۱۱	VS	۱۵۴۶۵ (۱)	-	۲/۶ (۵)	-	-۷۸۵ (-۲)	-	۳۳۷۳ (۷)	۰/۹۹	۱/۳	۱۱۰۲
۱۲	V	-۲۷۶۲ (۰/۵)	۲/۶ (۴/۴)	-	۱۰۷۷۳ (۱/۶)	-۱۵۶۴ (-۱/۸)	-	۶۳۱۶ (۴/۷)	۰/۹۹	۱/۸	۲۸۰۳

\* منبع: محاسبات کارشناسی.



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

بدین منظور با استفاده از داده های سری زمانی مربوط به دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵ و با کمک نرم افزار Eviews تأثیر رشد فزاینده درآمدهای نفتی بر بخش های مذکور را به کمک روش حداقل مربعات دو مرحله ای (TSLS) و با استفاده از یک رابطه خطی ساده بصورت :

$$Y_i = F(XO)$$

که در آن :

$XO$  = میزان درآمدهای نفتی کشور (میلیارد ریال - به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) به عنوان اصلی ترین عامل تأثیر گذار (متغیر مستقل) .

$Y_i$  = روند تغییرات متغیرهای ۹ گانه به عنوان عوامل تأثیرپذیر (متغیرهای وابسته) ، (  $i = 1, 2, \dots, 10$  )

که رابطه فوق به شکل خطی ساده به صورت زیر :

$$Y_i = \alpha + \beta XO$$

تعریف شده و برای هر بخش با در نظر گرفتن متغیرهای مجازی (Dumy Variables) تأثیر شوک نفتی (D1) ، وقوع انقلاب اسلامی و تحریم اقتصادی همه جانبه از سوی غرب (D2) ، جنگ تحمیلی (D3) و متغیر روند (Trend Variable) روابط مورد نظر برآورد شده و اثرات آنها بر مقادیر برآوردی ضرائب پارامترهای روابط ، تعیین گردیده است .



جدول شماره ۴: درجه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر متغیرهای سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های مختلف اقتصادی کشور ۸۵ - ۱۳۳۸

تأثیر پذیری	ضریب	متغیر اثرگذار (متغیر مستقل)	متغیر اثرپذی (متغیر وابسته)	شرح	ترتیب درجه تأثیر پذیری
۲/۶	Xo	V	ارزش افزوده کل	۱	
۲/۶	Xo	VS	ارزش افزوده بخش خدمات	۲	
۱/۶	Xo	VI	ارزش افزوده بخش صنعت	۳	
۱/۶	Xo	I	سرمایه گذاری کل	۴	
۰/۷۷	Xo	IS	سرمایه گذاری بخش خدمات	۵	
۰/۴۷	Xo	VA	ارزش افزوده بخش کشاورزی	۶	
۰/۴۶	Xo	II	سرمایه گذاری بخش صنعت	۷	
۰/۲۳	Xo	IA	سرمایه گذاری بخش کشاورزی	۸	
۰/۰۵	Xo	E	اشتغال کل	۹	
۰/۰۳۴	Xo	LS	اشتغال بخش خدمات	۱۰	
۰/۰۲۵	Xo	LI	اشتغال بخش صنعت	۱۱	
۰/۰۰۷	Xo	LA	اشتغال بخش کشاورزی	۱۲	

### • منبع: محاسبات کارشناسی.

نتایج حاصل از برآورد تأثیر افزایش درآمدهای نفتی بر متغیرهای سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه کشاورزی، صنعت و خدمات با استفاده از داده های سری زمانی (۱۳۳۸ - ۱۳۸۵) و همچنین آثار متغیرهای مجازی D1، D2 و D3 و متغیر روند (T)، با کمک نرم افزار Eviews و روش 2SLS اندازه گیری شده که نتایج به دست آمده در جدول شماره ۳ آورده شده است.

همچنین در این مقاله تأثیر رشد درآمدهای نفتی کشور بر متغیرهای ۳ گانه سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفته و برخی از شاخص ها که نمایانگر وضعیت درونی آنها از نظر شدت وابستگی متقابل و درجه تأثیر پذیری و تأثیر گذاری می باشد، بررسی گردیده است، از جمله شاخص های مورد بررسی، شاخص درجه تأثیر گذاری درآمدهای نفتی بر متغیرهای مورد نظر می باشد. درجه اثرپذیری متغیرهای مزبور از درآمدهای نفتی به ترتیب درجه اثرپذیری طی دوره مذکور، در جدول شماره ۴ آمده است.





## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

جدول شماره ۵: ضرائب سرمایه گذاری، اشتغال و ارزش افزوده در بخش های ۳ گانه اقتصاد ایران

۸۵ - ۱۳۳۸

بخش اقتصادی متغیر اثرپذیر	کشاورزی	صنعت	خدمات
سرمایه گذاری	۰/۲۳	۰/۴۶	۰/۷۷
اشتغال	۰/۰۰۷	۰/۰۲۵	۰/۰۳۴
ارزش افزوده	۰/۴۷	۱/۶	۲/۶

• منبع: محاسبات کارشناسی.

با توجه به جدول شماره ۵، مقایسه کثش سرمایه گذاری در بخش های ۳ گانه اقتصاد ایران بیانگر آن است که: کثش سرمایه گذاری نسبت به درآمدهای نفتی در بخش خدمات برابر با ۰/۷۷، در بخش صنعت برابر با ۰/۴۶ و در بخش کشاورزی برابر با ۰/۲۳ می باشد، یعنی سرمایه گذاری در بخش های ۳ گانه اقتصاد ایران نسبت به درآمدهای نفتی « کم کثش » بوده و افزایش درآمدهای نفتی کشور نتوانسته منجر به ایجاد سرمایه گذاری مولد و پایدار گردد.

مقایسه کثش اشتغال در بخش های ۳ گانه بیانگر آن است که:

اشتغال در هر ۳ بخش اقتصاد کشور نسبت به درآمدهای نفتی، تقریباً « کاملاً بی کثش » است. چنانکه میزان کثش اشتغال نسبت به درآمدهای نفتی در بخش خدمات برابر با ۰/۰۳۴، در بخش صنعت برابر با ۰/۰۲۵ و در بخش کشاورزی برابر با ۰/۰۰۷ می باشد. پایین بودن ضرائب کثش اشتغال در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات حکایت از تأثیر ناچیز درآمدهای نفتی بر میزان اشتغال در این بخش ها دارد. به عبارت دیگر می توان گفت که در هر ۳ بخش از اقتصاد کشور، « اشتغال نسبت به درآمدهای نفتی بی کثش می باشد » و افزایش درآمدهای نفتی سرشار کشور، نتوانسته زمینه ایجاد فرصت های شغلی مناسب و اشتغال پایدار در کشور را فراهم نماید.

مقایسه کثش تولید ( ارزش افزوده ) در بخش های ۳ گانه بیانگر آن است که:

بیشترین کثش پذیری نسبت به درآمدهای نفتی مربوط به بخش خدمات برابر ۲/۶ و سپس بخش صنعت برابر ۱/۶ می باشد و ارزش افزوده بخش کشاورزی با کثشی برابر با ۰/۴۷ تقریباً نسبت به درآمدهای نفتی کشور، « کم کثش » می باشد.

دلیل تأثیرپذیری زیاد بخش خدمات از درآمدهای نفتی این است که درآمدهای نفتی « واردات » را به شدت افزایش می دهد و بدیهی است که « واردات » به واسطه بخش خدمات به درون کشور راه می یابد و بنابراین، افزایش « واردات » به معنای افزایش سودآوری در بخش خدمات نیز می باشد.



### ۴ - نتیجه گیری :

- نتایج نشان می دهد که از میان بخش ها ، درآمدهای نفتی ، بیشترین تأثیر را بر ارزش افزوده و سرمایه گذاری در بخش های خدمات و صنعت داشته است .

- سرمایه گذاری و ارزش افزوده در بخش کشاورزی نیز ، کمترین تأثیرپذیری را از درآمدهای نفتی کشور از خود نشان می دهد .

- همچنین نتایج نشان می دهد که درآمدهای نفتی کمترین تأثیر را بر اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی در هر ۳ بخش اقتصاد کشور داشته است .

به هر حال ، نتایج حاصل شده ، بیانگر آن است که : از یک سو درآمدهای نفتی تأثیر قابل توجهی بر سرمایه گذاری و ارزش افزوده در ۲ بخش صنعت و خدمات - که بیش از ۸۰ درصد از مجموع ارزش افزوده بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات و نزدیک به ۷۰ درصد از GDP کشور را تشکیل می دهند - داشته و از سوی دیگر ، کمترین تأثیر را بر اشتغال و ایجاد فرصت های شغلی در کشور داشته است .

این پدیده نشان می دهد که :

اولاً ، درآمدهای نفتی به عنوان اصلی ترین منابع سرمایه گذاری و یکی از ارکان توسعه اقتصادی ایران ، تحت تأثیر عوامل برون زای متعددی قرار دارد که در اختیار برنامه ریزان کشور نمی باشد .

ثانیاً ، با توجه به اینکه درآمدهای نفتی تأثیر متفاوتی بر بخش های مختلف اقتصاد کشور دارد ، تمرکز و یا ساختار متغیرها را تغییر داده و تخصیص منابع را به هم زده و منابع مالی جامعه را به سوی بخشی که بیشترین تأثیرپذیری را از درآمد نفت دارد ( بخش خدمات ) می کشاند و این خود سرآغاز بروز بسیاری از مشکلات در اقتصاد ملی خواهد بود .



### ۵ - پیشنهادات :

۱- « کاهش وابستگی بودجه های جاری دولت » به نفت ، چرا که :  
از یک سو درآمدهای نفتی بسیار بی ثبات و ناپایدار بوده و شدیداً متأثر از اوضاع و احوال و تحولات شرایط متغیر و ناپایدار بین الملل ( متغّره های برون زا ) می باشد و از سوی دیگر ، نفت باید بعنوان « سرمایه » و « ثروت ملی » تلقی شده و درآمدهای ناشی از آن صرف سرمایه گذاری های مولد گردد و نباید آن را صرف هزینه های جاری و مصرف امور جاری کرد .

به عبارت دیگر ، تلاش در راستای کاهش و قطع وابستگی بخش های اقتصادی به درآمدهای نفتی و گریز از « اقتصاد تک محصولی » و « پدیده شومی منابع طبیعی » و « نفرین نفت » و « عزم ملی در جهت حرکت به سوی " GDP سبز " » . چنانکه مطابق اهداف سند ملی چشم انداز ۲۰ ساله ( ۱۴۰۴ - ۱۳۸۴ ) و قانون برنامه چهارم توسعه کشور ( ۱۳۸۸ - ۱۳۸۴ ) تا پایان برنامه ، کل هزینه های جاری بودجه عمومی دولت باید از محل « درآمدهای غیرنفتی » تأمین شود که در این راستا و به منظور تحقق آن ، دولت ناگزیر از انجام اقدامات زیر می باشد :

- الف - اصلاح و افزایش پایه های مالیاتی
- ب - اصلاح و افزایش نرخ های مالیاتی
- ج - اصلاح و افزایش کرامدی نظام مالیاتی
- د - تقویت بنیه اقتصادی و افزایش ارزش افزوده کل
- ه - تقویت و توسعه صادرات غیرنفتی

۲- بازنگری و تجدید نظر در « سیاست های باز توزیع منابع و امکانات » و « تخصیص بهینه و مناسب منابع سرمایه گذاری » ( درآمدهای نفتی ) میان بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات و برنامه ریزی علمی و درست در راستای ایجاد پیوندهای پیشین و پسین بین بخش های اقتصاد کشور .

۳- ترکیب مخارج دولتی که هزینه کننده درآمدهای نفتی است ، شدیداً بر طرف عرضه اقتصاد تأثیر می گذار د . طولانی بودن دوره بازدهی سرمایه گذاری های صنعتی و کشاورزی نسبت به دیگر بخش های اقتصاد به ویژه بخش خدمات که برگشت سریع سود و سرمایه اصلی را تضمین می کند ، تغییر قیمت های نسبی به نفع بخش خدمات ، تغییر قیمت آرز به نحوی که از سوئی به تسریع روند مصرف گرائی جامعه و از سوئی به غیر اقتصادی ساختن فعالیت های تولیدی انجامید و افزایش ناگهانی قیمت های جهانی نفت در اوائل دهه ۱۳۵۰ سبب شد اقتصاد ایران مسیر توسعه و تحوّل ساختاری را با آهنگی شتاب آلود و تا حدی نامعقول طی کند که حاصل آن سوق یافتن منابع اصلی بخش خصوصی به سوی فعالیت های خدماتی ، رشد بی رویه شبکه تجاری و خدمات و تضعیف نسبی فعالیت های کشاورزی و صنعتی بوده که نهایتاً منجر به آن شد که مداوماً از سهم بخش های تولیدی ( کشاورزی و صنعت ) کاسته و به سهم بخش غیرتولیدی ( خدمات ) افزوده شود . از این رو باید درآمدهای نفتی را در جهتی خرج کرد که به تنوع سرمایه گذاری ، تولید ، اشتغال و صادرات بینجامد تا در زمان کاهش قیمت نفت یا پایان پذیرفتن منابع نفتی ، اقتصاد دچار شوک شدیدی نشود .



بهترین روش برای هزینه کرد درآمدهای نفتی در اولویت قرار دادن سرمایه گذاری در بخش های « تولید » و « اشتغال » است . ایجاد اشتغال بزرگترین دغدغه کشور است . در ایجاد اشتغال باید به « پایداری شغل » بیش از هر چیز توجه شود و دولت قبل از آن که بخواهد برای « ایجاد شغل » در بخش های مختلف اقتصادی برنامه ریزی کند ، باید به « امکان حفظ اشتغال پایدار » ، بیش از « ایجاد شغل » توجه نماید . یکی از پتانسیل های مهم برای جذب اشتغال - یا حداقل جلوگیری از مهاجرت جوانان روستائی - در بخش کشاورزی نهفته است که باید مورد توجه قرار گیرد .

اگر بخش خدمات با جذب سرمایه ها و منابع ، از لحاظ افزایش تولید و اشتغال جایگزین بخش های مولد ( کشاورزی و صنعت ) شود ، هرچند ممکن است در کوتاه مدت مؤفق به نظر آید ولی با توجه به نوع و ماهیت فعالیت های آن در میان مدت و بلند مدت نمی تواند تولید و اشتغال پایدار و مستمر را حفظ نماید .

۴- با نظری به آینده می توان گفت « بیکاری » کماکان یک مشکل حادّ و چالش مهمّی برای سیاستگذاران خواهد بود . بنابراین « کاهش بیکاری » مستلزم « افزایش در شدت کاربری نیروی رشد اقتصادی » ، « تحقق کشش اشتغال بالاتر » و « تحریک تقاضای نیروی کار » در بخش هائی است که کشش اشتغال آنها در واکنش به تغییر تقاضای نهائی بخش ، بیشتر می باشد . واضح است که با اهداف دست یابی به « شاخص های اقتصادی مطلوب » ، اولویت اول باید « انگیزش در تقاضای نهائی بخش های کلیدی » ، « کاهش سلطه بخش عمومی » و « افزایش سهم بخش خصوصی » باشد . زیرا توسل به اشتغال از سوی بخش عمومی ، اگرچه در « کوتاه مدت » ممکن است بیکاری را مهار کند ولی همین سیاست ها می توانند تبعات مالی منفی به جا گذاشته و برخلاف « اهداف بلند مدت تقویت بخش خصوصی » که خود منبع اصلی رشد و ایجاد اشتغال است ، عمل نمایند .

۵ - رابطه بین اشتغال دولتی و خصوصی مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پیامدهای اشتغال دولتی بر عملکرد بازار کار مشخص گردد . چرا که به نظر می رسد بین اشتغال دولتی و خصوصی « رابطه جانشینی » وجود داشته باشد ، چنانکه اگرچه در کوتاه مدت افزایش اشتغال دولتی باعث کاهش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری می شود ، در بلند مدت « یک رابطه جانشینی جبری کامل » برقرار است ، به این معنا که اشتغال خصوصی به میزان افزایش در اشتغال دولتی عقب نشینی کرده و در نتیجه بیکاری از تغییرات اشتغال دولتی تأثیر مثبت نمی پذیرد .

۶- از منظر اقتصادی ، بخش کشاورزی ایران یکی از پتانسیل های مهمّ کشور است . اگر بخواهیم از این پتانسیل عظیم بهره برداری کنیم ، لازم است که دیدگاه حاکم بر بخش کشاورزی تغییر کند . بدین ترتیب بخش کشاورزی باید به دنبال « تولید کالاهای سوآور » باشد و به جای وابستگی به درآمدهای نفتی و دولت ، به منابع خود اتکاء کند و پتانسیل های نهفته خود را کشف نموده و راه به کارگیری آن را بیاموزد .

اگر کشاورزی به سوی « تولید کالاهای سوآور » حرکت نماید ، با افزایش سود قادر می شود در تکنولوژی کاشت ، داشت و برداشت سرمایه گذاری کند و از اتلاف منابع (سرمایه ، نیروی کار ، آب ، بذر و سموم و ...) به صورت وسیعی جلوگیری نماید .



## همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

وظیفه دولت در این راستا عبارتست از : فراهم نمودن امکان دسترسی به بازار برای آنها ، فراهم نمودن زیر ساخت ها و امکانات زیربنائی نظیر جاده ها ، دسترسی به تکنولوژی تولید ، ایجاد نظام آموزشی و بیمه مناسب و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی که عموماً در اندازه های غیراقتصادی بوده و بر اثر اعمال قانون ارث ، هر روز کوچکتر می شوند و به همین دلیل به کارگیری تکنولوژی های مدرن برای کاهش هزینه و بهبود کیفیت در آنها امکان پذیر نمی باشد .

۷- برنامه ریزی و تلاش در جهت « کاهش وابستگی به واردات » . از آن جائیکه ما « واردکننده بزرگی » هستیم و بخش عمده درآمدهای نفتی کشور صرف « واردات » می شود ، بسیاری از افزایش های درآمدهای نفتی « خنثی » می شود ، به نحوی که ما دلارهای نفتی را با یک دست می گیریم و با دست دیگر پس می دهیم که با توجه به نوع و ماهیت ترکیب کالاهای وارداتی ( عمدتاً کالاها و خدمات مصرفی و واسطه ای ) ، این مسأله خود را به صورت « افزایش مصرف » و « تشدید تورم » نشان خواهد داد .



## منابع و مأخذ :

### الف ( منابع فارسی

- ۱- ابتکار- معصومه ، « منابع طبیعی و توسعه پایدار » ، فصلنامه رهیافت ، ( ۱۳۷۶ ) .
- ۲- درگاهی- حسن ، « رونق نفتی و چالش های توسعه » ، روزنامه اعتماد ملی ( اسفند ۱۳۸۴ ) .
- ۳- غنی نژاد- موسی ، « دولت نفتی و توسعه » ، آینده نو ، ( آبان ۱۳۸۵ ) .
- ۴- براون- استفن و الم- ریچارد ، « وقتی نفت آزادی اقتصادی را میگیرد » ، دنیای اقتصاد ، ( آبان ۱۳۸۵ ) .
- ۵- گاتلی- مورت ، « انگیزه های اوپک برای رشد سریع تر تولید » ، مجله انرژی شماره ۲۵ ، ( ۱۳۸۳ ) .
- ۶- یداله زاده طبری- ناصر ، « درآمدهای نفتی و بیماریهای هلندی » ، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، شماره ۱۵۴ - ۱۵۳ .
- ۷- ابریشمی- حمید و محسنی- رضا ، « نوسانات صادرات نفتی و رشد اقتصادی » ، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران شماره ۱۳ ، ( ۱۳۸۱ ) .
- ۸- بختیاری- صادق و حق- زهرا ، « بررسی آثار افزایش درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی » ، اقتصاد کشاورزی و توسعه ، شماره ۳۵ ، ( ۱۳۸۰ ) .
- ۹- کشاورز حداد- غلامرضا ، « ارزیابی پتانسیل های اشتغال زائی بخش های مختلف اقتصاد ایران » ، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران ، شماره ۱۸ ، ( بهار ۱۳۸۳ ) .
- ۱۰- فردمنش- محسن ، « تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران » ، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ، ( ۱۳۷۰ ) .
- ۱۱- گجراتی- دامودار ، « مبانی اقتصاد سنجی » ، ترجمه حمید ابریشمی ، انتشارات دانشگاه تهران ، ( ۱۳۷۲ ) .
- ۱۲- « همایش جهانی شدن ، خصوصی سازی و عدالت اجتماعی » ، تهران ، دی ماه ۱۳۸۶ .
- ۱۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف .
- ۱۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، مجموعه آمار سری های زمانی سالهای مختلف .

### ب ( منابع انگلیسی

- 15 - Alsabah , Mohammad (1988) ; " The Dutch Disease in an Oil – Fxporting Country ". OPEC REVIEW , SUMMER .
- 16 - Benjamin , Nancy C. , Devarajan , S. and Weiner , R . (1988) ; " Oil Revenues and the Dutch Disease in a Developing Country ". OPEC REVIWE , SUMMER .
- 17 – Corden , W. M. (198۴) ; " Booming Sector and Dutch Disease : A Surevy " The Australinal National University Workuing Paper , No. 79 ( November ) .



- 18 - Coreden , W. M. and Neary , P. J. (1982) ; " Booming Sector and De - Industrialization in a Small Open Economy " . Economic Journal , No. 92 , PP. 825 – 48 .
- 19 – Fardmanesh , M. (1990) ; " Terms of Trade Shocs and Structural in a Small Open Economy : Dutch Disease and Oil Price Increases " , Journal of Development Economics , Vol. 34 , No. 1/2 , PP. 339 – 353 .
- 20 - Fardmanesh , M. (1991) ; " Dutch Disease and Oil Syndrome : An Emprical Study " . World Development , Vol. 19 , No. 6 PP. 711 – 717 .
- 21 - Forsyth , P. J. and Kay , J. A. (1980) ; " Oil Revenues and Manufacturing Output " . Fiscal Studies , Vol. 2 (July) , PP. 1 – 17 .
- 22 – Gregory , R. (1976) ; " Some Implication of the Growth of the Mineral Sector " . The Australian Journal of Agricultural Economics , Vol. 20 , No. 2 (August) , pp. 71-91 .
- 23 - Jazayeri , A. (1988) ; " Economic Adjustment in Oil - Based Economics " . Aveburg Gower Tradable publishing Co.
- 24 – Jazayeri , A. (1988) ; " Price and Output in Two Oil – Based Economies : The Dutch Disease in Iran and Nigria " , Development Studies .
- 25 - Kamas , L. (1986) ; " Dutch Discasc Economics and the Colombian Exprot Boom " . World Development , Vol. 14 , No. 9 PP. 1177-1198 .
- 26 – Parvin , M. and Dezhbaksh (1988) ; " Trade , Technology Transfer , and Hyper Duthc Dieasc in OPEC : Theory and Evindence " , International Journal of Middle East Studies , Vol. 20 , PP. 469 – 477 .
- 27 – Sachs , J. and Varner , A. ( 1995 ) ; " The End Of Poverty " , Economucs Review .
- 28 – Struthers , John J. (1990) ; " Nigerian Oil and Exchange Rates : Indicators of Dutch Disease " , Development and Change ( SAGE) Vol. 21 , PP. 309 – 341 .

(ج) منابع اینترنتی

- 29 - [http : // WWW . Mporg . Ir](http://WWW.Mporg.Ir)
- 30 - [http : // WWW . CBI . Ir](http://WWW.CBI.Ir)
- 31 - [http : // WWW . SCI . Org . Ir](http://WWW.SCI.Org.Ir)
- 32 - [http : // WWW . Rastak . Com](http://WWW.Rastak.Com)
- 33 - [http : // WWW . Ieicenter . Com](http://WWW.Ieicenter.Com)
- 34 - [http : // WWW . Iran – economy . Com](http://WWW.Iran-economy.Com)
- 35 - [http : // WWW . Google . Com](http://WWW.Google.Com)